

سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و هنری امویان در خراسان و ماوراءالنهر و تأثیر آن بر گسترش هنر و فرهنگ اسلامی

چکیده

خراسان و ماوراءالنهر از مناطق مهم اقتصادی بودند که به علت موقعیت بازرگانی، زمین‌های حاصلخیز و همجواری با مناطق کافر نشین مورد توجه ویژه مسلمانان قرار داشتند. این مناطق که مقارن ورود مسلمانان تحت فشارهای مالیاتی حکومت ساسانی قرار داشتند با شرط تخفیف‌های مالیاتی و تضمین‌های مالی و اقتصادی حاضر به پذیرش اسلام و همکاری با مسلمانان شدند. اما به علت سیاست چپاولگری و مال‌اندوزی بسیاری از خلفا و والیان اموی، پذیرش اسلام در میان مردم ماوراءالنهر و خراسان به صورت عمیق صورت نپذیرفت. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است کوشیده شده تا به این پرسش که سیاست‌های اقتصادی و معافیت‌های مالیاتی چه نقشی در پذیرش اسلام مردم ناحیه خراسان و ماوراءالنهر داشته است، پاسخ داده شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد با کاهش سخت‌گیری‌های مالی و افزایش معافیت‌های مالیاتی روند گرایش به اسلام افزایش قابل توجهی می‌یافت. تشویق‌های مالی که شامل کمک‌های نقدی و غیرنقدی به حاجتمندان، دادن مقرری و پاداش به شرکت‌کنندگان در نمازجماعت در کنار معافیت‌های مالیاتی به کار گرفته می‌شد. این سیاست‌ها به تدریج در رونق فرهنگی و هنری این مناطق مؤثر واقع شد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی سیاست‌های اقتصادی امویان در خراسان و ماوراءالنهر.
۲. شناخت نقش گسترش اسلام در خراسان و ماوراءالنهر دوره اموی در رونق هنر و فرهنگ در این مناطق.

سؤالات پژوهش:

۱. سیاست‌های اقتصادی و حمایت‌های مالی امویان در خراسان و ماوراءالنهر چگونه بود؟
۲. در دوره امویان گسترش اسلام در خراسان و ماوراءالنهر چه تأثیری بر رونق هنر و معماری این مناطق داشت؟

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های مالی، مالیات، خراسان، ماوراءالنهر، امویان.

مقدمه

مسائل اقتصادی از ابتدای بعثت پیامبر (ص) در اسلام‌پذیری قبایل مختلف و دیگر تحولات سیاسی- نظامی مسلمانان نقشی بسیار مهم ایفا کرده‌اند؛ در گسترش قلمرو مسلمانان و اسلام‌پذیری ساکنان خارج از عربستان از جمله ایرانیان نیز عوامل اقتصادی نقشی بسیار مهم داشتند. در بدو ورود مسلمانان به قلمرو ساسانی جامعه ایرانی و از جمله مردم خراسان و ماوراءالنهر به دلایل مختلف از جمله فشارهای مالیاتی از حکومت ساسانی ناراضی بودند، جامعه ساسانی دارای نظامی طبقاتی بود؛ براساس نامه تنسر طبقات جامعه‌ی ساسانی: «چهار گروهند و در رأس آن‌ها پادشاه قرار دارد، عنصر نخست روحانیان هستند، عنصر دوم مقاتل یعنی مردان کارزار و جنگجو هستند، گروه سوم کتاب (دبیران) هستند و گروه چهارم برزگران و تجار و سایر حرفه‌ها هستند» (نامه تنسر، ۱۳۸۹: ۵۵). مشاغل هر یک از طبقات و اصناف نیز موروثی بود (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۴۲۶). افرادی که جزء این طبقات بودند هم از املاک و اموال فراوانی برخوردار بودند و هم از پرداخت مالیات معاف بودند؛ حال آن که طبقات پایین جامعه که از کم‌ترین درآمد اقتصادی برخوردار بودند بیشترین فشار مالیاتی را به دوش می‌کشیدند، از این رو طبقات مرفه مردم خراسان و ماوراءالنهر با انگیزه‌ی حفظ جایگاه اجتماعی و املاک و منافع اقتصادی خویش اسلام را پذیرفتند و طبقات پایین جامعه نیز با انگیزه‌ی تخفیف‌های مالیاتی، کسب غنائم در نبردها و دستیابی به دیگر مزایای اقتصادی به اسلام گرایش پیدا می‌کردند. در زمان‌هایی که چنین بخشش‌ها و تخفیف‌های مالی از جانب والیان اموی صورت می‌گرفت گرایش به اسلام سرعت می‌پذیرفت و زمانی که سیاست چپاول و غارتگری را در پیش می‌گرفتند روگردانی از اسلام صورت می‌گرفت و دوباره آیین سابق خویش را اختیار می‌کردند. اسلام-پذیری مردم خراسان ابتدا از جانب طبقات حاکم و متنفذ مانند دهقانان صورت پذیرفت، زیرا در صورت پذیرش اسلام و صلح با مسلمانان جایگاه اجتماعی و اموال اقتصادی آنان محفوظ می‌ماند و عامه مردم نیز به تبعیت از آنان و یا با تخفیف‌ها و تشویق‌های مالی و جانی بیشتر جذب مسلمانان شدند، اما با این وجود چون امویان سیاست یکسانی در پیش نگرفتند و بیشتر انگیزه‌های مالی را دنبال می‌کردند نتوانستند به‌طور عمیق اسلام را گسترش دهند و پس از شورش‌های متوالی جذب داعیان عباسی شدند و به عمر حکومت امویان پایان دادند.

اطلاعات مربوط به حضور امویان در خراسان و ماوراءالنهر غالباً به‌صورت پراکنده در کتب تاریخ عمومی آمده است، گذشته از منابع متقدم اسلامی که مهم‌ترین اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد، در موضوعات مشابه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است، همچون مقالاتی تحت عنوان تأثیر اقتصادی- اجتماعی خراسان بر نحوه حکومت امویان در این سرزمین از عباس پناهی؛ منابع درآمد مالی امویان در خراسان از مریم سعیدیان جزی؛ دستگاه مالی امویان با تکیه بر قلمرو شرقی خلافت از سید محمود سامانی و بازکاوی فرایند فتوح اسلامی در ماوراءالنهر در عصر اموی از کورش صالحی و حبیب زمانی محبوب و کتاب‌هایی تحت عنوان تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا حمله مغول از محمدامیر شیخ‌نوری و فتوحات اعراب در آسیای مرکزی از گیب و ایران در روزگار اموی از عبدالله مهدی الخطیب. مقاله حاضر در ادامه پژوهش‌های سابق با روش کتابخانه‌ای سعی در روشن ساختن نقش سیاست‌های مالی امویان بر گسترش اسلام در این مناطق دارد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی اسلام‌پذیری طبقات مختلف خراسان و ماوراءالنهر بیشتر داوطلبانه صورت گرفت، اما ریشه چنین گرایش‌هایی در آغاز بیشتر اقتصادی بود. به‌منظور حفظ املاک و دستیابی به اموال و کاهش فشارهای اقتصادی که از حکومت ساسانی به دوش می‌کشیدند رها شوند و از حکومت جدید مسلمانان بهره‌مند گردند، زیرا طبقات مرفه جامعه مانند دهقانان و بازرگانان که بیشتر در خراسان و ماوراءالنهر سکونت داشتند تنها راه حفظ موقعیت اجتماعی و دارایی‌های خویش را در پذیرش اسلام می‌دانستند. طبقات پایین جامعه نیز یا به تبعیت از اربابان خویش و یا به دلیل تشویق‌های مالی که از جانب برخی والیان و خلفای اموی، خواه به منظور تحکیم سلطه خویش و دستیابی به منافع مادی بیشتر و یا به دلیل گسترش اسلام صورت می‌گرفت، جذب مسلمانان می‌شدند. طبقات پایین جامعه که بیشتر در روستاها سکونت داشتند، گویا پایبندی چندانی نسبت به تعالیم زرتشت نداشتند و کم‌ترین حمایتی از جانب مسلمانان می‌توانست آنان را جذب فاتحان نماید تا شاید از این طریق بتوانند در جامعه جدید جایگاهی پیدا کنند و به امتیازاتی دست یابند و از فشارهای مالی سابق آسوده شوند.

علاوه بر این ساخت مساجد به‌عنوان اماکن فرهنگی اسلامی نقشی بسیار مهم بر ترویج اسلام ایفا کرد. اما در طول حکومت اموی بر خراسان چون در بسیاری مواقع برخلاف وعده‌هایی که داده بودند عمل می‌شد و پس از پذیرش اسلام توسط بومیان، در صورتی که خلفا و والیان اموی با کاهش درآمد مواجه می‌شدند از تازه مسلمانان جزیه می‌گرفتند، شورش‌هایی پیاپی بر علیه آنان صورت می‌گرفت که در بیشتر آن شورش‌ها ایرانیان حضور داشتند و زمانی هم که جذب عباسیان و لشکریان ابومسلم شدند، به علت ظلم و تعدی‌ها و فشارهای مالی بود که از جانب امویان بر آنان تحمیل می‌شد. از این پس تعالیم اسلام در مناطق مختلف ایران از جمله خراسان و ماوراءالنهر ریشه دوانیده بود و تا زمانی که فشارهایی خصوصاً در زمینه مالی بر آنان تحمیل نمی‌شد، در آرامش زندگی می‌کردند اما گاهی که با تحقیر و رفتارهای تبعیض‌آمیز و فشارهای مالی مواجه می‌شدند شورش‌ها و اعتراضاتی برپا می‌کردند؛ در واقع، در واپسین سال‌های حضور امویان در خراسان ناراضی‌ها جنبه دینی نداشتند بلکه ماهیت سیاسی-اقتصادی داشتند.

منابع و مآخذ:

- ابن‌حوقل، محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه: جعفر شعار؛ تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌خردادبه. (۱۳۷۱). *مسالك و ممالك*. ترجمه: سعید خاگرد؛ تهران: نشر میراث ملل.
- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۸۳). *العبر تاریخ ابن‌خلدون*. ترجمه: عبدالمحمدآیتی؛ چاپ سوم، جلد ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن‌عبدالحمک، عبدالرحمن بن عبدالله القرشی. (بی‌تا). *سیره عمر بن عبدالعزیز*. بیروت: دارالکفر الحدیث.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۱). *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*. مترجم: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی؛ تهران: ناشر مؤسسه مطبوعات علمی.
- اسحاق همدانی ابن‌الفقیه، ابوبکر احمد بن محمد. (۱۳۴۹). *البلدان*. ترجمه: ح. مسعود، تهران: ناشر بنیاد فرهنگ ایران.

اشپولر، برتولد. (۱۳۷۷). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه: جواد فلاطوری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

----- (۱۳۶۶). ترکستان نامه ترکان در عهد هجوم مغول ترجمه: کریم کشاورز؛ چاپ دوم، بی جا: ناشر موسسه انتشارات آگاه.

بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۳۷). فتوح البلدان. مترجم: محمد توکل، تهران: ناشر انتشارات قطره.

بویس، مری. (۱۳۸۸). آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش. ترجمه: ابوالحسن تهامی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

مؤلف مجهول. (۱۳۶۲). حدود العالم من المشرق الى المغرب؛ به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری. مجمل التواریخ و القصص. (بی تا). تحقیق ملک الشعراء بهار؛ تهران: انتشارات کلاله خاور.

نامه تنسر. (۱۳۸۹). به تصحیح: مجتبی مینوی، چاپ اول، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

بیرونی، ابوریحان. (۱۳۹۲). آثار الباقیه. ترجمه: اکبر داناسرشت، ترجمه و تصحیح: پرویز سپیتمان، تهران: نشر نی. بی نا. (۱۳۶۶). تاریخ سیستان، تحقیق: ملک الشعراء بهار، چاپ دوم، تهران: ناشر کلاله خاور.

پژوهش دانشگاه کیمبریج. (۱۳۹۰). تاریخ اسلام. زیر نظر پی. ام. هولت - آن. ک. س. لمبتون، ترجمه: احمد آرام؛ چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۳۷۳). الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.

جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). تاریخ سیاسی اسلام از سال چهل تا سال صد هجری. تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

خضری، سید احمد رضا. (۱۳۸۴). تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت. دیاکونوف، م. م. (۱۳۴۶). تاریخ ایران باستان. زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه: روحی ارباب؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

زیدان، جرجی. (۱۳۹۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه و نگارش: علی جواهر کلام، چاپ چهاردهم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

شهیدی، جعفر. (۱۳۹۰). تاریخ تحلیلی اسلام. چاپ چهل و ششم، تهران: ناشر مرکز نشر دانشگاهی.

شیخ نوری، محمدا میر. (۱۳۸۸). تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا حمله مغول. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اساطیر.

طّقوش، محمدسهیل. (۱۳۹۲). دولت امویان. ترجمه: حجت‌الله جودکی با اضافاتی از رسول جعفریان، چاپ هفدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فرای، ریچارد. (۱۳۹۳). عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. چاپ ششم، تهران: ناشر سروش.

فیاض، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). تاریخ اسلام. چاپ هجدهم، تهران: ناشر انتشارات دانشگاه تهران.

کای بار؛ آسموسن؛ بویس، مری. (۱۳۸۴). دیانت زرتشتی، ترجمه: فریدون وهمن، تهران: نشر جامی.

کوفی، ابن‌اعثم. (۱۳۷۲). الفتوح؛ ترجمه: محمدبن‌احمد مستوفی هروی، تحقیق: غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

محمدبن‌سعد، منیع الهاشمی البصری. (۱۴۱۴ق.). الطبقات الکبری. تحقیق: محمد بن شامل السلمی، الطائف: مکتبه الصدیق.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۹). تاریخ گزیده؛ به اهتمام: عبدالحسین نوایی؛ تهران: ناشر امیرکبیر.

مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌حسین. (۱۳۶۵). التنبیه و الاشراف. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌حسین. (۱۳۸۷). مروج الذهب؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده؛ چاپ ششم، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی ایران باستان. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. (یک جلدی)، چاپ سوم، تهران: انتشارات اشجع.

مقدسی، ابوعبدالله محمدبن‌احمد. (۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم؛ ج ۲، ترجمه: علی نقی منزوی؛ تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

مهدی الخطیب، عبدالله. (۱۳۷۸). ایران در روزگار اموی. ترجمه: محمدرضا افتخارزاده؛ تهران: انتشارات رسالت قلم.

نرشخی، ابوبکر محمدبن‌جعفر. (۱۳۶۳). تاریخ بخارا. ترجمه: ابونصر احمدبن‌محمدبن‌نصر القباوی؛ تلخیص: محمدبن‌زفر بن‌عمر؛ تحقیق: محمدتقی مدرس رضوی؛ چاپ دوم، تهران: نشر توس.

همایی، جلال. (۱۳۶۶). شعوبیه. اصفهان: بزرگمهر.

یاقوت‌بن‌عبدالله الحموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. (۱۹۹۵). معجم‌البلدان. بیروت: دارصادر، ط الثانية.

یعقوبی، احمدبن‌اسحاق. (۱۳۵۶). البلدان. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یعقوبی، احمدبن‌اسحاق. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Gibb, H.A.R. (۱۹۲۳) The Arab Conquests in Central Asia, London.